

به نام خدای علیم و حکیم

درس ششم/ سنت های خداوند در زندگی

### هدف ها

**هدف کلی:** آشنایی با برخی از قوانین و سنت های الهی

### هدف های آموزشی

**الف)** تبیین معنای سنت الهی

**ب)** تبیین برخی از سنت های الهی

**ج)** تأثیر این سنت ها در زندگی انسان

**ارتباط با درس قبل:** در درس قبل فراگیران آموختند که جهان ما قانونمند است و همه قوانین آن ناشی از قضا و قدر الهی است. حال باید بدانند که این قوانین چگونه بر تصمیمات و ابعاد مختلف زندگی آنها تأثیر می گذارد.

### محورهای اصلی درس

**الف)** آشنایی با معنای سنت الهی

**ب)** تبیین برخی سنت های الهی حاکم بر زندگی انسان از جمله؛ سنت ابتلا، امداد، سبقت رحمت بر غضب، امداء و استدراج

**ج)** برنامه ریزی در جهت حرکت در مسیر توجه به این سنت ها

### ساماندهی فعالیت های یاددهی- یادگیری

**الف)** آماده سازی و ایجاد انگیزه: در این مرحله می توان از واژه شناسی کلمه « سنت » شروع کرد. یعنی از بچه ها خواست تا نظرات شان را ابراز و معلم نیز آنرا روی تخته بنویسد. در ادامه تبیین انواع سنت ها، می توان تشخیص مصادیق را از بچه ها در خواست کرد.

**ب)** مراحل تدریس: بعد از تلاوت قرآن با توجه به عناوین و محورهای اصلی درس می توان گام به گام جلو رفت.

### مقدمه بحث و تبیین درس

قبل از شروع بحث و تبیین موضوع اصلی این درس، لازم است به نکات زیر اشاره شود. چون مباحث مربوط به اختیار انسان، قضا و قدر الهی و سنت های الهی در زندگی انسان، پیوندی منطقی با هم دارند. در درس پیشین آموختیم:

**الف)** انسان و اختیار: انسان دارای اراده و اختیار است و درک وجود اختیار در انسان نیز از امور بدیهی، وجدانی و شهودی است. یعنی هر کسی اگر در لحظه انجام یک عمل به درون خودش مراجعه کند بالوجدان و الشهود در می یابد که در انجام آن عمل، هیچ نیروی جبرکننده درونی و یا بیرونی، او را وادار به انجام آن عمل نکرده است. با این که وجود اختیار در انسان یک امر بدیهی است ولی جهت توضیح بیشتر مطلب می توان به سخن فلیسوفان غرب نیز اشاره کرد تا فراگیران با شنیدن استدلال ما احساس نکنند که فقط ما به عنوان یک مسلمان، وجود اختیار در انسان را یک امر بدیهی می دانیم. مثلاً « مری وارنوک » می گوید: وجود اختیار آموزه ای نیست که زیر سوال برود بلکه واقعیتهای طبیعی تلقی می شود. . انسان فاعل مختار است و انکار اختیار انسان به همان اندازه نامعقول است که منکر آن شویم که او می تواند رنگ ها را از هم تشخیص دهد یا قادر به شمارش است.

**ب)** قضا و قدر الهی: اعتقاد به قضا و قدر الهی بیانگر نگرش یک انسان موحد در تبیین نقش علم و قدرت خدا در طراحی نظام عالم و اعمال اراده او در وقوع حوادث عالم و از جمله در گستره حیات همه جانبه انسان است. بر اساس چنین نگرشی هیچ فعلی در این عالم اتفاق نمی افتد مگر این که با علم و قدرت الهی طراحی و سپس با اراده الهی محقق می شود. حال سوال در این است که: قضا و قدر الهی در زندگی فردی و اجتماعی انسان چگونه اعمال می شود؟

در پاسخ به این سوال لازم است این مطلب را یاد آور شویم که: عالمی که در آن زندگی می کنیم و از آن به عنوان عالم ماده، عالم کون و فساد، طبیعت، عالم ملک و یا ... یاد می شود، این عالم دو لایه دارد:

### الف) لایه ای سطحی و رونین با حوادث جزئی

### ب) لایه ای عمیق با قوانین و قواعد کلی

هر حادثه ای که در این عالم و در محیط اطراف مان اتفاق می افتد چه خوب باشد و چه بد، تحت یک سلسله قوانین ثابتی است که تعیین کننده و جهت دهنده آن حادثه به شمار می رود. در این مورد معلمان ما هم می توانند مثال هایی از قوانین اثبات شده در فیزیک، شیمی و یا ... بزنند و هم می توانند با اشاره به وقایع و حوادثی که در محیط کلاس اتفاق می افتد، اشاره نمایند تا فراگیران گمان نکنند که سنت های الهی محدود می شود به همان چیزهایی که در کتاب به آن اشاره شده است. وقتی فراگیران با ذکر این مثال ها با گستره و عمق بحث سنت های الهی آشنا شوند بر دقت و مراقبت آنها بر افکار، اعمال و حالات شان بیشتر شده و تحول بیشنی و نگرشی بزرگی در آنها ایجاد خواهد شد. مثلا وقتی انسان بداند با پاسخ مثبت به دعوت انبیاء الهی و انجام عملی به نام « هدایت پذیری » اسباب و عوامل پیدا و پنهانی به نام توفیق الهی شامل حالش می شود، قطعا با آگاهی بیشتر و عمیق تری در مسیر پاکي ها و درستی ها برمی دارد.

غالب انسان ها بواسط نگرش سطحی و جزئی به این عالم، فقط جلوه های ظاهری حوادث آن را می بینند و از قواعدی که در پشت این حوادث وجود دارد بی خبرند. اگر از این لایه های ظاهری عالم که در قالب حوادث جزئی نمایان می شود بگذریم و وارد باطن آن که قوانین ثابت و هدفمند آن است برسیم، خواهیم دید که هیچ چیز و هیچ پدیده ای بدون قاعده ایفای نقش نمی کند. بنابر این آنچه به عنوان گزاره های خبری و یا انشایی در آیات و روایات صحیح به آن اشاره شده، حاکی از همین هدفمندی های قاعده مند میان پدیده ها و حوادث این عالم و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی ما انسانها است. آنچه که به عنوان سنت های الهی در درس ششم به آن اشاره شده، تنها بخش بسیار اندکی از سنت های الهی در زندگی انسان است و گرنه هیچ عملی و هیچ فعلی در عام درون ما و عالم بیرون اتفاق نمی افتد مگر آن که کاملا قاعده مند بوده و تحت سنتی از سنت های الهی قرار می گیرد.

مثال ساده و قابل حس بری فراگیران این است که وقتی شما کلید لامپ را بزنید، اگر لامپ کلاس خاموش بوده باشد با زدن کلید، لامپ روشن می شود و یا برعکس. آنچه ما انجام می دهیم، تحقق فعلی به نام زدن کلید است و گر نه خاموش و روشن شدن لامپ، تحت یک سلسله قواعد ثابتی است که میان چندین پدیده وجود دارد.

ایمان به این گزاره ها و پایبندی به آنها موجب در امان ماندن از خسارات پیدا و پنهان در زندگی فردی و اجتماعی ما در دنیا و به تبع آن در سرنوشت و حیات اخروی ما است. چون آنچه در آخرت به هر کس داده می شود دستاورد های او در حیات قاعده مند و هدفدار او در زندگی دنیوی است. آن شاء الله

### سنت های الهی

معنای لغوی سنت: سیره، روش، خوی، عادت

سنت های الهی یعنی روش هایی که خداوند براساس آنها امور عالم و آدم را تدبیر می کند. این سنت ها محدود به زمان و مکان و یا قوم خاصی از مردم نمی شود بلکه همه را در بر می گیرد.

وجود سنت های خداوند در عالم بیانگر آن است که:

نظام آفرینش، هدفدار و قانونمند است/ این سنت ها مختص پدیده های طبیعی نیست بلکه زندگی فردی و اجتماعی انسان را دربر می گیرد/ مفهوم دیگری از تقدیر الهی است.

فواید شناخت سنت های الهی: آشنایی با نشانه های علم و حکمت خدا و درک عظمت او و بهره مندی درست از طبیعت/ تصحیح نگرش خود در مقابل شکست ها و پیروزی ها، تلخی ها و شیرینی ها/ تغییر نگرش ما نسبت به حوادث عالم و روابط ما با خدا، با خود، با طبیعت و دیگران.

## انواع سنت های الهی در زندگی انسان

- ۱) **سنت ابتلاء:** این واژه از ماده « بلا بیلو» به معنای خبر گرفتن و علم به حقیقت اشیاء و معادل امتحان و آزمایش است. این واژه قریب المعنی با واژگان؛ فتنه، امتحان و تمحیص است برای پاک شدن درون انسان و خالص شدن اعمال او. سنت ابتلاء موجب رشد و ظهور استعداد انسان در فرایند تکامل/ جزء عام ترین و فراگیر ترین سنت الهی/ عامل ساخته شدن هویت و شخصیت انسان/ موفقیت در هر امتحانی موجب ارتقا به مراتب بالاتر کمال –ایمان- می شود و به همان میزان، امتحان الهی نیز سخت تر می شود/ اسباب امتحان هر امر خیر و یا شرّی می تواند باشد.
- ۲) **سنت امداد عام الهی:** امداد یعنی یاری رساندن. بعد از دعوت انبیاء الهی- از جهت اتمام حجت و آگاهی بر امر حق- اتفاق می افتد/ خدا راه انتخاب حق یا باطل را به روی انسان باز می گذارد تا هر کس بعد از انتخاب به راه خود برود و باطنش را آشکار نماید/ هرکس آثار خوب یا بد انتخابش را در قیامت می بیند/ روی آوردن دنیا به برخی گناهکاران، نشانه لطف خدا نیست بلکه می تواند مظهر قهر خدا باشد.
- ۳) **سنت امداد خاص – توفیق- الهی:** توفیق یعنی آسان نمودن/ فراهم کردن اسباب و شرایط لازم از جانب خدا تا بنده خاص او راحت تر به مقصد برسد. این سنت شامل حال کسانی می شود که خالصانه در مسیر حق قدم می گذارند. مثل حمایت خدا نسبت به انسان مجاهد و تلاشگر/ فراهم کردن زمینه انتخاب دوست خوب برای رشد مومن/ عامل درونی برخوردار از توفیقات الهی، داشتن روحیه حق پذیری.
- ۴) **سبقت رحمت بر غضب:** رحمت خدا شامل نیکوکاران و گناهکاران می شود و لذا راه بازگشت و توبه همیشه و به روی همه باز است.
- جلوه های سبقت رحمت خدا بر غضب او: آمرزش گناه با توبه/ آمرزش برخی گناه با کار نیک/ حفظ آبروی گناهکاران/ پذیرش عبادت اندک/ رضایت سریع از استغفارگران/ ماموریت فرشتگان به نوشتن سریع کار خوب و تأخیر در نگارش کار بد برای جبران آن با توبه/ پاداش چند برابر به کار خوب و کیفر بدیها به اندازه همان کار بد. ///
- ۵) **املاء و استدرج:** املاء یعنی مهلت دادن، فرصت دادن. استدرج یعنی نزدیک نمودن تدریجی به چیزی است. خداوند با با تجدید نعمتی بعد از نعمت دیگر، کافران را گرفتار نعمت های دنیوی می کند تا گام به گام به هلاکت بیشتر فرو روند. چون با افزایش نعمت، شخص دچار غفلت شده و درجه به درجه به هلاکت نزدیک تر می شود.
- البته خدا برای گناهکاران شرایطی فراهم می کند تا توبه کنند اما اگر افرادی چنان در گناه فرو روند که از آن راضی و با حق لجاجت نمایند خدا از باب استدرج بر نعمت آنها می افزاید و آنها با همان اراده و اختیار خود دچار بلای الهی می شوند. این سنت که حاکم بر زندگی معاندان و غرق شدگان در گناه است، سنت « املاء و استدرج » نام دارد. پس املاء و استدرج نیز محصول اختیار و عملکرد خود انسان است.
- ۶) **تأثیر اعمال انسان در زندگی او:** مطابق آیات و روایات، آینده زندگی هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می دهد در موارد بسیاری ناشی از اعمال گذشته او است. مثلاً: نقش اعمال نیک در دوام عمر: صدقه، صلّه رحم، نیکی به والدین، امانتداری، لقمه حلال، آبیاری درختان، سیراب کردن حیوانات یا برعکس، قطع رحم، ظلم به دیگران که موجب نزول بلا، عدم استجاب دعا یا کاهش عمر می شود. ///
- نتیجه:** عالمی که در آن زندگی می کنیم و از آن به عنوان عالم ماده، عالم کون و فساد، طبیعت، عالم ملک و یا . . . یاد می شود، این عالم دو لایه دارد: لایه حوادث جزئی/ لایه قواعد کلی. هر حادثه ای چه خوب و چه بد تحت تأثیر قواعدی است که تعیین کننده و جهت دهنده آن حوادث به شمار می رود. غالب انسان ها بواسط نگرش سطحی و جزئی به این عالم، فقط جلوه های حوادث آن را می بینند و از قواعدی که در پشت این حوادث وجود دارد بی خبرند. اگر از این لایه های ظاهری عالم بگذریم و وارد باطن قاعده مند آن شویم، خواهیم دید که هیچ چیز و هیچ پدیده ای بدون قاعده ایفای نقش نمی کند. بنابراین این آنچه به عنوان گزاره های خبری و یا انشایی در آیات و روایات صحیح به آن اشاره شده حاکی از همین هدفمندی های قاعده مند میان پدیده ها و حوادث این عالم و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی ما انسان ها است. ایمان به این گزاره ها و پایبندی بدان ها موجب در امان ماندن از خسارات پیدا و پنهان در زندگی دنیوی و اخروی ما خواهد شد. آن شاء الله

به نام خدای علیم و حکیم

درس نهم/ پایه های استوار

هدف ها

هدف کلی: توانایی فراگیر بر تبیین معیارهای یک تمدن متعالی از نظر اسلام

## هدف های آموزشی:

الف) آشنایی فراگیر با رهنمودهای قرآن و سیره معصومین در مورد معیارهای تمدن متعالی

ب) توانایی تبیین معیارهای تمدن متعالی بر اساس قرآن و سیره معصومین

## ضرورت بحث:

معرفی اسلام به عنوان یک دین تمدن ساز اقتضا دارد که فراگیران ما با توجه به واقعیات جامعه انسانی از توانایی لازم برای نقد تمدن جدید را داشته باشند تا دچار یک نوع انفعال و پذیرش تام نشوند و گمان نکنند که علت عقب ماندگی مسلمانان ناشی از اعتقادات دینی آنها است. آگاهی از پیشینه تمدن اسلامی می تواند موید این نگرش باشد.

## پیش دانسته های فراگیران:

این درس در طول مجموعه اطلاعات اجمالی فراگیران در حوزه تاریخ اسلام و ایران و دین و فرهنگ اسلامی است که در دروسی مثل ادبیات، مطالعات اجتماعی و تاریخ بدست آورده اند.

## محورهای اصلی درس:

ارایه ملاک ها و معیارهای تمدن متعالی اسلامی از جمله: ابتدا این تمدن بر محور توحید، حیات جاودانه، بسط عدالت و برابری، غفلانیت و . . .

## ساماندهی فعالیت های یاددهی-یادگیری

الف) آماده سازی و ایجاد انگیزه: با توجه به موضوع درس که اولین درس مربوط به مسأله تمدن و نسبت آن با دین است، معلم می تواند به تناسب شرایط کلاس با طرح یک پرسش ساده مثلا مفهوم واژگانی « تمدن » درس را آغاز نماید و سپس دامنه بحث را به شکل گفتگوی دوجانبه به همه کلاس تسری دهد. تمدن واژه ای عربی به معنای: شهر نشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود.

ب) مراحل تدریس: انتخاب روش تدریس تابع شرایط کلاس است ولی روش تلفیقی برای فعال کردن فراگیران و درگیر کردن تدریجی همه آنها به عقلانیت نزدیک تر است. از جمله تلاوت آیات درس و سپس تبیین یکایک معیارهای تمدن متعالی از منظر اسلام است.

## پاسخ به یک سوال:

چرا معیار تمدن را از دین بگیریم؟ زیرا هر تمدنی مبتنی بر یک سلسله مبانی فکری خاصی است. اگر چه تمدن ها در بعضی ملاک ها با هم اشتراک دارند ولی به خاطر تفاوت در مبانی فکری، تفاوت در عملکردها و موضع گیری ها بتدریج و در طول زمان نمایان می شود. مثلا در تمدن غرب ساخت سلاح هسته ای یک امر طبیعی و بکار گیری آن برای صاحبانش قابل توجیه است ولی اتخاذ چنین روشی از منظر تمدن مبتنی بر توحید، امری نا معقول و غیر اخلاقی است.

## تبیین معیارهای تمدن متعالی اسلامی

۱) دعوت به توحید و نفی شرک و بت پرستی: اعتقاد به توحید و گره خوردن آن با روح جامعه دینی دارای آثار و برکات فراوانی است. وقتی روح کلی حاکم بر جامعه، جلب رضای الهی باشد، این ویژگی در عرصه اقتصاد، فرهنگ، تولید سلاح و . . . نمایان شده و افراد آن جامعه را از انجام هر آنچه مورد قهر الهی شود باز می دارد. مثلا یک خلبان موحد، با هواپیمای بمب افکن، بمب بر سر مردم بینگاه نمی ریزد.

۲) اعتقاد به معاد و حیات اخروی: در تمدن متعالی اسلام، حیات در نگاه پیروانش به عالم ماده ختم نمی شود بلکه از مجرای همین عالم تنگ و موقتی به عالمی می نگرند که جاودانه و بسیار گسترده تر است. هرکس در انجام هر عملی به آثار قطعی آن در همین عالم و عالم بعد از مرگ می اندیشد. بنابر این ساکنان جامعه ای با چنین تمدنی، دور اندیشانه ترن اثر را برای عمل خودشان در نظر می گیرند و به نوعدوستی از مجرای حیات اخروی اهتمام می ورزند.

۳) **بر پایی نظام مبتنی بر حاکمیت الهی:** در تمدن مبتنی بر معیارهای متعالی اسلامی، نظام اجتماعی آن بر اساس قوانین الهی تدوین و اجرا می شود. ( اشاره به دین و زندگی پایه یازدهم، مبحث دلایل تشکیل حکومت اسلامی)

۴) **گسترش عدالت:** اهتمام شدید به اجرا و توسعه عدالت به عنوان محوری ترین هدف انبیا الهی در انجام رسالت خویش. اهمیت اجرای عدالت و فراهم کردن ساز و کارهای آن در حدی است که پیامبر اکرم فرمودند: **الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ.** بنابر این از نشانه های بارز تمدن متعالی اسلامی کاهش فاصله طبقاتی میان فقیر و غنی و ایجاد شرایط متوازن برای بهره مندی همه طبقات از امکانات لازم برای رشد و شکوفایی استعدادها است. علی(ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر فرمودند: **النَّاسُ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَضِيرُ لَكَ فِي الْحَقِّ**

#### وضعیت این معیار در دوره تمدن اسلامی

بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) برای مدتی پایبندی به عدالت بویژه در بخش اقتصادی آن مورد توجه خلفا بود. مثلاً در داستان مواجهه سپاه مسلمانان با سپاه رستم فرخ زاد آن چیزی که مانع پذیرش دعوت شد تن ندادن به برابری مردم از همه طبقات بود. در همین راستا و با گذشت زمان، معیار عدالت حتی در شکل و قالب اقتصادی آن نیز رنگ باخت و کار به جایی رسید که مردم به خاطر خستگی از ستم حاکمان بر خلیفه سوم شوریدند و او را به قتل رساندند. یا در دوره حکومت بنی امیه نشانه های غلبه عربیت بر اسلامیت به مرحله نهایی خود رسید و مردم خسته از ظلم اموی ها به کار آنها خاتمه دادند. حتی عمر در اعتراض به تجمل گرایی معاویه و لباس های فاخری که می پوشید به او گفت: ای معاویه! مانند کسری، پادشاه ایران لباس پوشیده ای؟!

۵) **ارتقای جایگاه خانواده و احیای منزلت زن:** برای درک نقش اسلام در احیای حقوق زن باید دید که زن در آن دوران در حجاز و دنیای معاصر چه جایگاهی داشت. در عصری که زن نه حق مالکیت داشت و نه از حقوق فردی و اجتماعی برخوردار بود و حتی مردان از داشتن دختر، متنفر بودند، پیامبر(ص) در سایه نزول وحی در کرامت بخشی به این قشر گام هایی برداشت که دنیای امروز نیز قادر به درک آن جایگاه نیست. دادن حق مالکیت، حق رای و حق تعیین سرنوشت، بالا بردن مقام مادری و . . . آن حضرت با شناختی که از ظرفیت دخترش، حضرت فاطمه (س) داشت احترام ویژه ای برای ایشان قایل بودند. به همین خاطر به تربیت او بیش از سایر فرزندانشان توجه داشتند.

#### وضعیت این معیار در دوره تمدن اسلامی

توسعه قلمرو کشور اسلامی و باز گشت بعضی از حاکمان به قهقهرا و فرهنگ عصر جاهلی و روی کار آمدن حاکمان بنی امیه و بنی عباس، بتدریج نگرش ابزار گونه به زن در شکل و قالبی دیگر، دوباره حرمسرا ها شکل گرفت و مقام زن تنزل یافت ولی با این حال برخی حقوق زن به حال خود باقی ماند از جمله حق مالکیت، حق تحصیل علم. به همین خاطر زنان هم می توانستند اموال شان را صرف امور خیریه از جمله وقف بنمایند. این در حالی است که زنان در نگرش اهل تورات، موجودی درجه دوم شمرده می شد. یا در انجیل برنابا ص ۱۳۱ حوّا به عنوان عامل اصلی خروج آدم از بهشت، معرفی شده است. بدین صورت که شیطان در مقام وسوسه برای تحریک به خوردن از میوه درخت منهی عنه ابتدا سراغ حوّا رفت و از طریق فریب حوّا، آدم را فریب داد.

۶) **دعوت به تعقل و تفکر و دعوت به علم و دانش:** پیامبر(ص) با نزول آیات مربوط به « خواندن و کسب آگاهی» دعوتش را شروع کرد. آن هم در جامعه ای که خواندن و نوشتن بهایی نداشت و اشتغال به خرافات و زندگی در متن جنگ و غارتگری به عنوان شیوه غالب برای تحصیل هزینه و امرار معاش، امری پسندیده بود. نزول تدریجی آیات قرآن و دعوت به تدبیر و خردورزی از یک طرف و تشویق و تلاش دایمی پیامبر از طرف دیگر باعث شد تا سد جاهلت و خرافه گرایی شکسته شود و دل مردم بی خیر از دانش روز به تحصیل آن رغبتی مشتاقانه پیدا کند. پاسخ مثبت و مستمر حضرت فاطمه(س) به دعوت زنان برای کسب معرفت و آگاهی بدون دریافت مزد دنیوی حاکی از تلاش اهل بیت پیامبر در جهت آگاهی بخشی به مردمی است که در سال های آتی، بنیان گذاران تمدنی به نام تمدن اسلامی بودند.

#### وضعیت این معیار در دوره تمدن اسلامی

مسلمانان توانستند با بهره گرفتن از تعالیم قرآن و سیره پیامبر ضمن تحصیل علم بتدریج با دانش های روز دنیا آشنایی یافته و دانش بشری را از چند شاخه محدود به پانصد شاخه ارتقا دهند. شوق به کسب معرفت آنها را وا داشت تا در کنار هر مسجد یک مدرسه بسازند. در دوره بنی عباس با ترجمه کتاب های مختلف دانشمندان یونانی، تحصیل علم و دانش نهادینه شد و بتدریج اندیشمندانی چون فارابی، خوارزمی، بوعلی سینا، ملاصدرا و . . . در عالم اسلام درخشیدند.

توجه به بهداشت که در آئین مسیحیت به خاطر ترویج افراطی زهد و بی توجهی به بدن رواج داشت، در میان مسلمانان به خاطر لزوم پایبندی به وض و غسل صورت نهادینه ای بخودش گرفت. تحصیل علم به صنف و طبقه خاصی محصور نمی شد.

### درس دهم/ تمدن جدید و مسئولیت ما

#### اهداف

**هدف کلی:** ارزیابی تمدن جدید بر مبنای معیارهای تمدن متعالی اسلام

**هدف های آموزشی:**

(الف) شناخت پیامدهای تمدن جدید در مهمترین حوزه های حیات فردی و اجتماعی

(ب) ارزیابی آثار تمدن جدید با مراجعه به معیارهای تمدن متعالی اسلام

**ارتباط با درس قبل:**

در درس قبل با معیارهای تمدن متعالی اسلام به ارزیابی تمدنی پرداخته شد که به نام تمدن اسلامی ایجاد گردید. در این درس ضمن ارائه گزارشی از تمدن جدید یا تمدن غرب به نقد و ارزیابی آن پرداخته می شود تا فراگیران ما بدانند که در عین درک عظمت واقعی تمدن غرب قادر به نقد منصفانه و شناخت نقاط ضعف و قوت آن هستند. بر خلاف تبلیغاتی که از ناحیه مبلغان غرب صورت می گیرد تا ضمن بزرگ نمایی داشته های خود، می خواهند جوانان ما را در موضع ضعف و ذلت قرار دهند.

**محورهای اصلی درس:**

(الف) لزوم بررسی نقاط ضعف و قوت تمدن غرب برای بهره وری از نقاط قوت و عبرت پذیری از نقاط ضعف به منظور ساماندهی تمدن جدید اسلامی.

(ب) بررسی زمینه های پیدایش تمدن جدید از جمله: نقش کلیسا و تعالیم تحریف شده آن/ بهره گیری از تجربیات تمدن های دیگر از جمله تمدن اسلامی/ بیان آثار مثبت و منفی تمدن غرب در سه حوزه علم، عدالت، خانواده. ///

**مرحل تدریس:**

تلاوت آیات و در صورت امکان تبیین آیات آغازین با موضوع درس.

تبیین محورهای اصلی درس:

**بیان اجمالی سه مرحله تمدن اروپا :**

**مرحله اول:** تمدن دوره باستان از قرن ششم تا چهارم قبل از میلاد. این مرحله از تمدن اروپا در یونان شکل گرفت و در روم باستان ادامه یافت. در این مرحله مردم اروپا به لحاظ اعتقادی در بت پرستی به سر می بردند. ژئوس رب الارباب مردم یونان و مردم روم نیز بیشتر موهوم پرست و زود باور بودند.

**مرحله دوم:** از قرن چهارم میلادی (۳۱۳ م) با رسمیت یافتن مسیحیت در روم آغاز و به سراسر اروپا گسترش یافت و موجب سلطه کلیسا بر زندگی سیاسی و اجتماعی مردم شد و تا اوایل قرن شانزدهم ادامه یافت. دوره ای که از آن به قرون وسطی یاد می شود.

**مرحله سوم:** در آغاز قرن شانزدهم و با افول نقش کلیسا در سرنوشت مردم آغاز و همچنان ادامه دارد.

**ضرورت آشنایی با تمدن غرب از دو جهت:**

(الف) ارتباط داشتن ما مسلمانان با این تمدن به جهت نیازها ضروری و دستاوردهای خوب آن.

(ب) بررسی ضعف ها و قوت های این تمدن برای عبرت پذیری و در امان ماندن از خسارات و یا سوء استفاده هایی که در سطوح مختلف قاره ای و جهانی از آن صورت می گیرد. ///

**بررسی زمینه های پیدایش تمدن جدید:**

۱) **کلیسا و تعالیم تحریف شده:** دوران هزار ساله قرون وسطی به جهت دست کشیدن از بت پرستی و پذیرش آئین مسیحیت، یک حرکت رو به جلو بود زیرا بت و بتخانه از بین رفت و اتحاد بر اروپا حاکم شد. بناهای مذهبی احداث و کتاب هایی در اخلاق و معنویت نگارش یافت. در کنار آن، ترویج افکار انحرافی در میان مردم در نهایت موجب فساد، عقب ماندگی و اختلاف میان رهبران کلیسا و زمینه انشعاب مذهبی جدید به نام پروتستان توسط مارتین لوتر در آلمان شد.

**باورهای انحرافی قرون وسطی:**

هر انسانی به اعتبار گناه اولیه آدم در بهشت، گناهکار دنیا می آید بنابراین این هرکودکی بعد از تولد باید غسل تعمید داده شود/ به دار آویخته شدن حضرت مسیح(ع) تاوان گناه بشریت است/ اعتراف به گناه در نزد کشیش و پرداخت پول برای پاک شدن از گناه و خرید بهشت/ عدم وجود طلاق میان زن و شوهر ناسازگار/ عدم ازدواج کشیش ها و ترویج تجرد به عنوان یک امر پسندیده/ الزام همگان به پذیرش نظرات رهبران کلیسا حتی در امور علمی مثل نظریه گالیله در مورد گردش زمین به دور خورشید.

**تذکر:** جهت آشنایی بیشتر معلمان از حوادثی که در قرون وسطی بر غرب بویژه اروپا گذشت، بهتر است به کتاب « تاریخ تمدن » تألیف ویل دورانت و یا کتاب « امام علی بن ابیطالب صدای عدالت انسانی » تألیف جرج سجعان جرداق مراجعه کرد تا ضمن آشنایی با پیشینه تمدن جدید، با نقش سلبی کلیسا و روحانیون مذهب مسیحیت در پیدایش تمدن جدید واقف شد. **فایده:** طرح این مباحث موجب می شود تا فراگیران تفاوت بنیادین میان اسلام و مسیحیت را دانسته و به رموز کنار گذاشته شدن دین در تمدن جدید دست یابند و بدانند که اسلام عامل عقب ماندگی مسلمانان نیست چرا که اسلام نه با عقل سر ستیز دارد و نه با پیشرفت های علمی مخالفتی دارد.

**۲) بهرگیری از تجربیات سایر تمدن ها:** اواسط قرون وسطی- قرن هفتم میلادی- تمدن اسلامی تولد یافت و طی دو سه قرن به شکوفایی رسید. با ترجمه کتاب های اندیشمندان اسلامی علاقه به پژوهش و آزمایش و تجربه افزایش یافت، نقد رهبران کلیسا آغاز، حقوق و قانون مورد توجه واقع شد و خردورزی در دستور کار قرار گرفت.

مونتگمری وات انگلیسی: علم و فلسفه اروپا بدون کمک گرفتن از فرهنگ اسلام توسعه نمی یافت... اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات اروپا شریک است بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود داشته باشد. اما از آنجا که اروپا در حال حاضر علیه اسلام عکس العمل نشان می دهد، تاثیر مسلمان بر تمدن غرب را بی اهمیت جلوه می دهد. وظیفه مهم ما اروپائیان این است که این اشتباه را اصلاح کنیم و به مدیون بودن عمیق خودمان به جهان اسلام اعتراف کنیم.

ویل دورانت نیز در تاریخ تمدن خود، اعتراف دارد که بسیاری از هنرها و فنون برجسته اروپایی مثل معماری، اسله سازی و... را مدیون صنعتگران مسلمان است. ///

**پیامدهای مثبت تمدن جدید:**

**۱) رشد سریع علم:** متحول شدن زندگی با رشد سریع علم در حوزه صنعت، ارتباطات و کشفیات جدید در دنیای مجازی.  
**۲) توانایی بهره مندی بیشتر از طبیعت:** علم و تکنولوژی موجب افزایش بهره وری از معادن زمینی و دریایی و مهار آب ها با سد سازی و هر آنچه در توان بشر است.

**پیامدهای منفی تمدن جدید:**

**۱) مصرف زدگی:** افزایش تولید و به دنبال آن، ایجاد جاذبه های تبلیغاتی شدید، موجب ایجاد نیاز کاذب و تنوع طلبی و در نهایت موجب غفلت از نیازهای فرا طبیعی بشر می شود و او را از پرداختن به کمالات معنوی باز می دارد. دیدگاه غالب در تمدن غرب نسبت به انسان، نگرشی حیوانی با نیازهای مادی محض است.  
**۲) نابودی طبیعت:** افزایش توان علمی و سلطه بر طبیعت، موجب تخریب ساختار طبیعت از جنگل و محیط زیست شده ات.  
**۳) علم زدگی:** از قرن هیجدهم با افزایش پیشرفت های علمی و حل برخی از مشکلات از مجرای دست آوردهای علمی، حال با گذشت چند قرن و نمایان شدن بحران های اخلاق و معنوی، انسان فهمید که علم به تنهایی قادر به تأمین سعادت او نیست.

این سرخوردگی باعث روی آوردن انسان به عرفان کاذب شده است. ///

### مسئولیت بزرگ ما

شاید تصور احیای تمدن بزرگ اسلامی در شرایط فعلی، نوعی خیالبافانه به نظر برسد ولی توجه به توان ذاتی انسان می تواند راه موفقیت ها را فراهم نماید. اما برنامه های پیشنهادی برای عملی کردن این آرمان بزرگ عبارت است از:

**الف) در حوزه علم:**

**۱) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری:** پیشرفت های علمی موجب استقلال و مانع سلطه اجانب می شود. موفقیت های جوانان دانشمند ما حاکی از برداشتن همان گام های اولیه است.  
**۲) حضور موثر و فعال در جامعه جهانی:** پیام اسلام چون با فطرت بشر سروکار دارد هر حقیقت جویی را به سوی خود جلب می کند. بنابر این با تاسی از سیره نبوی می توان پیام مهر و امید را به مردم جهان رساند.  
**۳) ترسیم چهره عقلانی و منطقی اسلام:** حق را نمی توان با روش نادرست رساند. میان یک پیام و روش آن باید تناسبی منطقی باشد. اسلام دین منطق است و با روش های متعصبانه، جاهلانه و فریبکارانه نمی توان تبلیغ کرد. ///

**ب) حوزه عدل و قسط:**

**آثار مثبت:**

**۱) توجه به قانون:** روی آوردن به حقوق و قانون بعد از قرون وسطی/ توجه به قانون بعد از ترجمه آثار اسلامی اتفاق افتاد/ وضع قانون و تأسیس نهادهای مدنی و به رسمیت شناخته شدن حقوق متقابل مردم و حاکمان  
**۲) مشارکت مردم در تشکیل حکومت:** نقش مردم در تعیین سرنوشت و برچیده شدن بساط حکومت موروثی.  
**آثار منفی:**

۱) **ظهور ظلم فراگیر و پدیده استعمار:** تولید، بازار یابی و نیاز به منابع طبیعی در کنار روحیه افزون طلبی بشر، صاحبان ثروت و قدرت غرب را جهت استعمار علنی روانه آسیا و آفریقا کرد/ تا اواخر قرن بیستم برده های زیادی از آفریقا در مزرعه و کارخانه غرب بکار گرفته شدند/ استعمار نو و پنهان از اواخر قرن بیستم با سرکار آوردن حاکمان وابسته به حضورشان ادامه دادند

۲) **افزایش فاصل میان فقیر و غنی در جهان:** شکل گیری نظام های سیاسی ناشی از حمایت مالی ثروتمندان، موجب شد تا منابع سایر کشور های فقیر به بهایی اندک خریداری و دامنه فقر و غنا از فرد به طبقه و سپس به کشور ها سرایت کند.

#### مسئولیت ما در این حوزه

۱) **مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر:** دشمنان حق و عدالت، به چیزی جز عدول ما از ارزشهای معنوی و الهی ما نمی شناسند.

۲) **استحکام بخشیدن به نظام اسلامی:** اقتدار یک نظام، مهمترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. / یک کشور ضعیف همیشه منزوی است. ///

#### حوزه خانواده

آسیب های ناشی از نگرش مادی غرب به روابط میان زن و مرد عبارت است از:

۱) **فروپاشی نهاد خانواده:** در زندگی بشر گذشته از جمله غرب قدیم، دو خانواده وجود داشت؛ خانواده هسته ای که مرکب از والدین و فرزندان بود. خانواده گسترده که شامل خویشان سببی و نسبی او می شدند. تمدن غرب هر دو خانواده را به هم ریخت و حتی فرزندان بی سرپرست در حال فزونی است. تشکیل وزارت « تنهایی» در برخی کشور های غربی برای این دسته از افراد است!

۲) **بی بند وباری جنسی:** فزونی این روش و گسترش دامنه آن، باعث اظهار ناتوانی نهادهای رسمی در اصلاح آن شد.

۳) **استفاده ابزاری از زنان:** روی دیگر تمدن جدید استفاده ابزاری از زنان در مسیر جلب سرمایه و تبلیغ کالا و تجارت های نامشروع است. غالب شدن نگرش تاجرانه به انسان بویژه زنان نشان از سقوط انسان و ارزش های او است.

#### مسئولیت ما در این حوزه

تلاش در جهت تحکیم خانواده: خانواده مامن فضایل اخلاقی و منشأ کاهش فساد در جامعه است. دعای حضرت ابراهیم در حق خانواده و ذریه اش حاکی از دوراندیشی آن حضرت در مسیر تربیت نسل های متمادی است. یعنی انسان نباید فقط به فکر تربیت فرزندان حاضر و ناظر خود باشد بلکه باید در وجود آنها، آیندگان را ببیند و حتی برای نیامده ها و ندیده ها دعا کرد.

تهیه و تدوین از: دکتر شیدالله رستخیز شورکایی

رَبَّنَا و اجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا أُمَّه مسلمه لک و أرنا مناسکنا و تب علینا إِنْک أنت التَّوَّاب و الرَّحِیم